

تأثیر تربیت اخلاقی زنان بر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در جامعه مهدوی

فاطمه ستوده^۱

چکیده

زنان به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه و محور اصلی تربیت نسل‌ها، جایگاهی بی‌بدیل در فرآیند تمدن‌سازی دارند. در منظومه فکری اسلام، زن مسلمان با کارکردهای چندبعدی خود، نقشی تعیین‌کننده در تحولات فردی و اجتماعی ایفا می‌نماید. بر همین اساس، چنانچه زنان مسلمان بر پایه اخلاق اسلامی صحیح عمل نمایند، موجب شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و رسیدن به جامعه مهدوی خواهد شد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استناد به نصوص دینی، به بررسی نقش تربیت اخلاقی بانوان در تمدن‌سازی نوین اسلامی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد تربیت اخلاقی زنان، به‌عنوان محور اصلی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در جامعه مهدوی، در سه عرصه کلیدی مؤثر است. زن اخلاق مدار در کانون خانواده، به‌عنوان هسته تمدن‌ساز، در عرصه فرهنگ به‌عنوان روح تمدن و در اجتماع به‌مثابه کالبد تمدن نوین اسلامی نقش‌آفرینی می‌کند. زنی که با مسئولیت‌پذیری اخلاقی، در کانون خانواده و عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، حاضر می‌شود، جامعه را به سمت حکمرانی اسلامی رهنمون می‌سازد و موجب تحقق عینی تمدن نوین اسلامی در عصر ظهور می‌شود. بنابراین تربیت اخلاقی زنان، زیرساخت اصلی تکامل جامعه به‌سوی تمدن نوین اسلامی است. این فرآیند مسیر تحقق جامعه عدل مهدوی را شتاب می‌بخشد. بنابراین، سرمایه‌گذاری نظام‌مند بر آموزش‌های اخلاقی زنان، راهبردی اساسی در گفتمان تمدن‌سازی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

کلیدواژه

تربیت اخلاقی، زن مسلمان، تمدن نوین اسلامی، جامعه مهدوی، الگوی اسلامی.

^۱. طلبه سطح سه، رشته کلام اسلامی.

مقدمه

در تمامی جوامع، شکل‌گیری تمدن‌ها وابسته به اندیشه، آرمان و کنش‌های جمعی افراد آن جامعه است. در این فرآیند، جایگاه بی‌بدیل زنان به‌عنوان محور اساسی تربیت و پرورش‌دهندگان اصلی نسل‌های آینده، همواره محوری و سرنوشت‌ساز بوده است. در جهان‌بینی اسلامی، زن نه قشر منفعل، بلکه عامل فعال تمدن‌سازی با مسئولیت‌های چندوجهی در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی تعریف می‌شود. آموزه‌های دینی با تأکید بر کرامت ذاتی زنان و ارائه الگوهای برجسته دینی، ظرفیت‌های بی‌نظیر آنان را در پیشبرد جامعه به‌سوی تعالی ترسیم می‌نماید.

باین‌حال، در دوران معاصر و در مواجهه با چالش‌های دنیای مدرن، هویت اخلاقی-تربیتی زن مسلمان با تهدیدهایی همچون فردگرایی افراطی، فروپاشی نهاد خانواده و تهاجم فرهنگی روبه‌رو شده است. این در حالی است که تحقق تمدن نوین اسلامی، به‌عنوان آرمان انقلاب اسلامی و شرط اصلی در زمینه‌سازی جامعه مهدوی، مستلزم تربیت انسان‌هایی خداپاور، مسئولیت‌پذیر و اخلاق محور است؛ امری که بدون نقش‌آفرینی تربیتی زنان در کانون خانواده و عرصه اجتماع، دست‌یافتنی نخواهد بود.

بنابراین ضروری است؛ با انجام پژوهش‌های منسجم در این زمینه، الگویی راهبردی تدوین شود که قادر باشد با تکیه بر مبانی اصیل اسلامی، مسیر عینی و عملیاتی تبدیل این سرمایه^۱ اخلاقی را به گفتمان جامعه مهدوی، روشن سازد.

پژوهش‌های پیشین اگرچه به بخشی از ابعاد نقش زنان پرداخته‌اند، اما خلأ پژوهشی چشمگیری در این زمینه مشاهده می‌شود. برای مثال می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱. کتاب «زن از سلوک عرفانی تا تمدن اسلامی» نوشته محمدحسن وکیلی. (۱۴۰۱ش). با نگاهی عمیق به منابع اسلامی و عرفانی، جایگاه زن را در عرصه‌های مختلف زندگی، از خانواده تا جامعه، در دو بخش سلوک فردی و سلوک اجتماعی (نقش بانوان در تمدن اسلامی) به تصویر می‌کشد.
۲. کتاب «نقش زن مسلمان شیعه در اعتلای تمدن نوین اسلامی» نوشته فاطمه زهرا احسانی. (۱۳۹۸ش). مدل اجتماعی نقش و پایگاه زنان مسلمان شیعه را از هرجهت متفاوت و متغایر با غرب می‌داند.
۳. در مقاله «تأثیر رفتاری مادران تراز انقلاب اسلامی در تربیت دینی فرزندان در اندیشه‌های قرآنی خامنه‌ای» نوشته سید حسین شفیعی دارابی و معصومه فرجی. (۱۴۰۲ش). نقش مادران را، مهم‌ترین

نقش در تکوین و تحول شخصیت فرزند در کودکی می‌داند، زیرا می‌توانند آنها را برای پذیرش دستورات دینی و برقراری ارتباط با خداوند آماده کنند.

۴. مقاله «تبیین الگوی مفهومی نقش‌آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی» نوشته زینب یاسری و نفیسه اخوان نیلچی. (۱۳۹۷ ش). این پژوهش با ارائه مدل نقش‌آفرینی زنان در تمدن اسلامی چپستی این نقش‌آفرینی را تحلیل مفهومی نموده و به‌وسیله آن چگونگی ایفای نقش زنان در ایجاد تمدن اسلامی را الگویابی و تبیین می‌کند.

پژوهش‌های پیشین عموماً به بررسی جزئی و پراکنده نقش زن در تمدن اسلامی، اکتفا کرده‌اند و از تحلیل آن در قالب یک سیستم جامع و یکپارچه غفلت ورزیده‌اند. هرکدام از پژوهش‌ها به بررسی یکی از ساحت‌ها پرداخته‌اند و تحلیل ساختار منسجمی که بتواند پیوندهای ناگسستنی بین تربیت اخلاقی زنان و سه عرصه حیاتی خانواده، فرهنگ و جامعه را ترسیم کند، به چشم نمی‌خورد. این نقیصه سبب شده است تا ابعاد گسترده تأثیرگذاری این تربیت در شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی، ناشناخته و ناگفته باقی بماند.

هدف اصلی پژوهش روبرو، پر کردن این خلأها با روش توصیفی-تحلیلی و استناد به نصوص معتبر دینی (قرآن، روایات معصومین علیهم‌السلام و سیره عملی بانوان تراز اسلامی) است، به‌گونه‌ای که نقش تربیت اخلاقی زنان در بستر تمدن نوین اسلامی و رسیدن به جامعه مهدوی تبیین شود.

پرسش محوری پژوهش این است: "تربیت اخلاقی زنان مسلمان چه نقشی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و استقرار جامعه‌ی مهدوی دارد؟"

به نظر می‌رسد تربیت اخلاقی زنان با تقویت کانون خانواده، ترویج فرهنگ اسلامی-مهدوی و گسترش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نقش اساسی در شکل‌گیری و شتاب بخشی به تمدن نوین اسلامی در جامعه مهدوی دارد.

در این مقاله پس از مقدمه، به تبیین مفاهیم کلیدی شامل: تربیت اخلاقی، تمدن نوین اسلامی، جامعه مهدوی و سپس بیان نقش‌آفرینی زنان در سه ساحت تمدنی شامل: خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی است. در خانواده، این تربیت متجلی در تربیت نسل مهدوی، مدیریت عاطفی خانواده و انتقال ارزش‌های اصیل اسلامی است. در عرصه فرهنگ از طریق مقابله با تهاجم فرهنگی و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی، اثرگذار است. در انتها این تأثیرات در گستره اجتماع با ترویج امر به معروف و نهی از منکر مشارکت در فعالیت‌های خیریه به ثمر می‌نشیند. این سه عرصه به‌هم‌پیوسته، مسیری تکاملی را ترسیم می‌کنند که در

آن زن مسلمان، از کانون خانواده آغاز کرده و تا اصلاح و پیشرفت کل جامعه پیش می‌رود و سنگ بنای تمدن نوین اسلامی را استوار می‌سازد.

۱. مفاهیم

۱.۱. تربیت اخلاقی

برای ارائه تعریف مناسب از «تربیت اخلاقی» ابتدا باید دو واژه «تربیت» و «اخلاق» هرکدام به صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرند.

تربیت در لغت از ماده «ربا» به معنی «زاد و نما»؛ افزایش یافت، نمو کرد، گرفته شده است. (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۳۸-۱۳۹). این ریشه‌شناسی معنایی، حاکی از آن است که تربیت جریانی پویا و بالنده است که به شکوفایی و افزایش استعدادهای درونی منجر می‌شود. در حوزه اصطلاحی، اندیشمندان اسلامی تعاریف عمیقی از تربیت ارائه داده‌اند. آیت‌الله سبحانی، تربیت را این گونه تعریف می‌نماید:

«تربیت این است که مربی با آگاهی از خصوصیات شیء، عملیاتی انجام دهد که نیروهای نهفته در درون آن را به فعال شود به تدریج راه تکامل را بی‌یابد. درواقع فعالیت‌های مربی کمال‌های بالقوه را که در وجود شیء مخفی و پنهان است به فعلیت می‌رساند.» (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۳۵۹).

درواقع تربیت فرآیندی است که در آن مربی، با شناخت دقیق ویژگی‌ها و قابلیت‌های متربی، مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند را انجام می‌دهد تا نیروها و کمالات نهفته در درون او را به تدریج به فعلیت رسانده و وی را در مسیر تکامل رهنمون شود. استاد مطهری نیز با نگاهی فلسفی، تربیت را «ایجاد ملکات و ویژگی‌های پایدار نفسانی» می‌داند که باید همسو با موازین عقلانی (حکمت) و دانش حقیقی (علم) باشد ایشان در این باره می‌فرمایند: «تربیت یعنی ایجاد ملکات نفسانی موافق با مقتضای علم و حکمت.» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۴۵). بنابراین، تربیت تنها آموزش معلومات نیست، بلکه پرورش و ساخت «شخصیت» و «هویت» انسانی است.

در رابطه با واژه اخلاق نیز تعاریف متعددی ارائه شده است، در لغت‌نامه دهخدا بیان شده: اخلاق جمع «خُلُق» و در لغت به معنای سرشت و خوی‌هاست. (دهخدا، ۱۳۴۵، ج ۵، ص ۱۵۲۵). خلق همان صفاتی است که در نفس انسان به صورت ثابت و ریشه‌دار رسوخ کرده و فرد اعمال خود را متناسب با آن انجام می‌دهد. چنانچه ملا احمد نراقی، از برجسته‌ترین اخلاق‌دانان اسلامی، علم اخلاق را این گونه تعریف می‌کند: «علم اخلاق عبارت است از دانش صفات مُهلکه و مُنجه، و چگونگی متصف شدن و گرویدن به صفات

نجات بخش و رها شدن از صفات هلاک کننده». (نراقی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۹-۱۵). هدف نهایی این علم، رساندن انسان به قله‌های کمال اخلاقی و قرب الهی است.

با توجه به تعاریفی که از این دو واژه بیان شد، در این پژوهش، «تربیت اخلاقی زنان» به فرآیند هدفمند و نظام‌مند کسب فضایل الهی و دوری از رذایل، تعریف می‌شود که در سه عرصه خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی متجلی شده و منجر به نقش‌آفرینی آنان در راستای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی می‌گردد.

۲.۱. تمدن نوین اسلامی

برای تبیین مفهوم «تمدن نوین اسلامی» به‌عنوان غایت و آرمان مورد بحث در این پژوهش، لازم است به دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی استناد گردد. علامه محمدتقی جعفری با ارائه تعریفی ساختاری و محتوا محور، تمدن را این‌گونه تعریف می‌کنند: «تمدن عبارت است از تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت». (جعفری، ۱۳۵۷، ج ۵، ص ۱۵۹)

این تعریف بر چند رکن اساسی تأکید دارد: «تشکل هماهنگ» که بیانگر نظم اجتماعی است و «حیات معقول» که بر مبنای خردگرایی دینی است. در این تعریف، عدالت به‌عنوان قاعده حاکم بر روابط، و مشارکت همگانی در پیشرفت‌هایی که همه‌جانبه است که شامل همه افراد و گروه‌ها می‌شود.

در تکمیل و تعمیق این تعریف، مقام معظم رهبری بایانی غایت شناسانه و انسان‌محور، تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که در آن، انسان به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. در این فضا، انسان از زندگی خوب و عزتمند برخوردار می‌شود و به موجودی عزیز، دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت تبدیل می‌گردد. ایشان تصریح می‌کنند که تحقق این تمدن، هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲).

بنابراین در پژوهش پیشرو «تمدن نوین اسلامی» به این صورت تعریف می‌شود: تمدن نوین اسلامی، الگوی پیشرفته و عادلانه‌ای از نظم اجتماعی است که بر پایه‌ی ارزش‌ها و تعالیم اسلامی شکل می‌گیرد. این تمدن، فضایی را فراهم می‌سازد تا انسان در پرتو روابط عادلانه و مشارکت فعال در عرصه‌های گوناگون، به رشد و تعالی هم‌زمان مادی و معنوی دست یابد و با بهره‌گیری از قدرت، اراده و ابتکار، به سازندگی جهان پرداخته و به غایات والای خلقت نائل آید. این الگو، عزت، استقلال و زندگی خوب را برای جامعه بشری به ارمغان می‌آورد و معیاری مطلوب برای دوران پیش از ظهور و زمینه‌ساز جامعه آرمانی مهدوی (عج) است.

پایدارترین و عمیق‌ترین شکل انسجام اجتماعی است که زمینه‌ساز همکاری و پیشرفت جمعی می‌شود. در این میان بانوان نقش بی‌بدیل در ایجاد این همبستگی کیفی ایفا می‌کنند.

زن، نقش محوری در جامعه انسانی دارد. تمام کارهای دیگری که در جامعه صورت می‌گیرد از جمله تجارت، سیاست و سرگرمی و خدمات، نتیجه و محصول کیفیت خانواده است. جایگاه مرکزی زن در خانه به موازات جایگاه مرکزی او در کل جامعه متمدن قرار گرفته. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۱۸).

تربیت اخلاقی زنان، توانایی آنان را برای ایفای نقش‌های اجتماعی تمدن‌ساز به نحو مؤثری ارتقا می‌دهد. از یکسو، با ترویج امر به معروف و نهی از منکر به صورت حکیمانه و اثرگذار، از سوی دیگر، با مشارکت گسترده و آگاهانه در فعالیت‌های خیریه، شالوده‌ی یک جامعه عدل‌محور و مهدوی است. در ادامه به هر یک از این موارد پرداخته می‌شود:

۱.۴. ترویج امر به معروف و نهی از منکر

یکی از تأثیرات تربیت اخلاقی زنان در جامعه ترویج فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. به واسطه این امر زنان به بازدارندگان فعالی در برابر انحرافات اجتماعی تبدیل شده و فضای عمومی جامعه را به سمت ارزش‌های الهی سوق می‌دهند. مشارکت فعالانه و برابر زن و مرد در سرنوشت اجتماعی در قرآن مورد توجه قرار گرفته است. آیه ۷۱ سوره توبه به صراحت جایگاه زنان را در این عرصه ترسیم می‌کند:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند. آنان همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.» (توبه، آیه ۷۱).

خطاب آیه به طور یکسان به «مؤمنون» و «مؤمنات» است. این نشان می‌دهد زن مسلمان نه یک ناظر منفعل، که یک کنشگر فعال در عرصه اجتماعی است. بنابراین، زن با ایمان، خود را نسبت به سرنوشت دیگر اعضای جامعه مسئول می‌داند. در جامعه اسلامی، همه اعضا نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت کرده و در جهت ارتقای اخلاقی همکاری می‌کنند. این دقیقاً نقطه مقابل جامعه‌ای فردگرا و بی‌تفاوت است. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تا جایی است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «تمام اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره‌ای است در مقابل یک دریای پهناور.» (نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۳۷۴).

بدین ترتیب، زن مسلمان با التزام به این فریضه، از یک شهروند عادی به یک مصلح اجتماعی و سازنده فعال تمدن ارتقا می‌یابد. جامعه‌ای که زنان آن به این سطح از مسئولیت‌پذیری برسند، همواره در مسیر تعالی و اصلاح خواهد بود و این حرکت دائمی، همان چیزی است که یک تمدن پویا و نوین اسلامی را شکل

می‌دهد و آن را از گزند فساد و انحطاط مصون می‌دارد. و جامعه را آماده ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌کند.

۲.۴. مشارکت در فعالیت‌های خیریه

زنانی که دارای اخلاق اسلامی باشند، باعث می‌شوند رحمت و همبستگی اسلامی در متن جامعه نهادینه شده و شبکه‌ای از تعاون و حمایت ایجاد شود. تربیت اخلاقی زنان، روحیه تعاون، ایثار و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در آنان تقویت می‌کند و آنان را به سمت مشارکت فعال و هوشمندانه در فعالیت‌های خیریه سوق می‌دهد. این مشارکت، موجب رسیدن جامعه به تمدنی عدالت‌محور و مهدوی می‌شود.

امام صادق (علیه السلام) در این ارتباط می‌فرماید: «هر کس در پیشبرد کار مسلمانان اهتمام نورزد، در شمار مسلمانان نیست». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۴).

یک زن با تربیت اخلاقی، این حدیث را درک می‌کند و خود را نسبت به رنج دیگران، حتی خارج از دایره خانواده، مسئول می‌داند. این احساس مسئولیت، محرک اصلی برای حرکت به سمت فعالیت‌های خیریه سازمان‌یافته است. چنین زنی برای رضای خدا و برای حفظ پیکره جامعه اسلامی، در امور دیگران مشارکت می‌کند. چنانچه نمونه عینی این فعالیت‌ها در سیره حضرت خدیجه سلام الله علیها وجود داشت.

خانه ایشان با دو نشانه شناخته می‌شد: یکی قبه سبزی که بر بامش بود، و دیگری از ازدحامی که در طریق خانه‌اش صورت می‌گرفت، این منزل در حوالی مسجدالحرام قرار داشت. حضرت خدیجه علیها السلام در میان انبوه مراجعان، تمایل داشت به امور فقیران رسیدگی کند. در هر موقع از ایام شبانه‌روز آنان را با نوازش‌های ویژه به حضور می‌پذیرفت، به درد دل‌های ایشان گوش می‌داد و در فضایی آغشته به مهربانی کارگزاری را فرامی‌خواند و به وی توصیه می‌کرد کیسه‌های پول را آورده، بین آن نیازمندان توزیع کند و در برابر آنان انواع مراقبت‌ها و حمایت‌های لازم را به عمل آورد. (کمالی، ۱۳۸۱، صص ۲۰ - ۱۹).

این الگو نشان می‌دهد زن مسلمان می‌تواند با حفظ حریم و شخصیت خود، به طور فعال و مؤثر در سطح جامعه به ایفای نقش بپردازد. زنان با مشارکت آگاهانه و گسترده در فعالیت‌های خیریه تضمین می‌کنند که تمدن اسلامی، نه تنها در اوج پیشرفت مادی، بلکه در اوج کرامت انسانی و همبستگی اجتماعی نیز خواهد ایستاد و این همان جامعه‌ای است که زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی (عج) است.

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، به عنوان آرمانی متعالی، نیازمند بسترسازی فرهنگی و اجتماعی عمیقی است که مهم‌ترین رکن آن، انسان تربیت‌یافته در مکتب اخلاق اسلامی است. در این میان، به دلیل نقش

بی‌بدیل و محوری زن در کانون خانواده و تأثیر مستقیم آن بر پیکره جامعه، تربیت اخلاقی زنان به یک ضرورت راهبردی و پیش‌نیاز غیرقابل انکار برای رسیدن به جامعه مهدوی است. بدون توجه به روی این رکن اساسی، هرگونه تلاش برای تمدن‌سازی با مشکل مواجه خواهد شد.

زن اخلاق‌مدار، با ایفای نقش‌های چندگانه خود، به عنوان سازنده‌ی اصلی سرمایه انسانی و فرهنگی جامعه عمل می‌کند. تأثیر او نخست در عرصه خانواده و با تربیت نسل مهدوی، مدیریت عاطفی خانواده و انتقال ارزش‌های اصیل اسلامی نمود می‌یابد که سنگ بنای هر تمدنی است. سپس این تأثیر به عرصه فرهنگ تسری یافته و با ایستادگی در برابر تهاجم فرهنگی و نهادینه کردن سبک زندگی اسلامی، هویت و اصالت تمدنی جامعه را بیمه می‌کند. در نهایت، حضور فعال و آگاهانه او در عرصه اجتماع، با محوریت امر به معروف و نهی از منکر و مشارکتهای خیرخواهانه، زمینه‌ساز تحقق جامعه‌ای عدالت‌محور، مسئولیت‌پذیر و پیشرو می‌شود که همگی از شاخص‌های بارز تمدن نوین اسلامی هستند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تربیت اخلاقی زنان، مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی را کوتاه‌تر کرده و ضمانت اجرایی آن را در جامعه مهدوی فراهم می‌سازد.

فهرست منابع

- * قرآن
- * نهج البلاغه
- ۱. احسانی، فاطمه زهرا. (۱۳۹۸ ش). نقش زن مسلمان شیعه در اعتلای تمدن نوین اسلامی، تهران: انتشارات سنجش و دانش.
- ۲. احمدی، یعقوب. (۱۳۹۷ ش). رساله فاطمیه، بی‌جا، بی‌نا.
- ۳. اطفیش، محمد بن یوسف. (۱۴۰۶ ق). الجامع الصغیر، سلطنة عمان، وزارت التراث القومي و الثقافة.
- ۴. تونه‌ای، مجتبی. (۱۳۹۷ ش). موعودنامه، قم، انتشارات میراث ماندگار.
- ۵. جعفری، محمدتقی. (۱۳۵۷ ش). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶. جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۸ ش). چه کسی گهواره را تکان خواهد داد، قم: دفتر نشر معارف.
- ۷. حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (دام عزّه العالی)، بیانات، (بر گرفته از سایت www.khamenei.ir)
- ۸. خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹ ش). صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۹. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۵ ش). لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۳ ش). منشور جاوید، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
۱۱. شفیعی دارابی، سید حسین؛ فرجی، معصومه. (۱۴۰۲ ش). تأثیر رفتاری مادران تراز انقلاب اسلامی در تربیت دینی فرزندان در اندیشه‌های قرآنی خامنه‌ای، نشریه مطالعات قرآن و علوم دوره ۷ - شماره ۱۴.
۱۲. شماره ۵-۶.
۱۳. شیروودی، مرتضی. (۱۳۸۶ ش). نقش سیاسی اجتماعی زنان در تاریخ معاصر، زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع).
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴ ش). ترجمه تفسیرالمیزان، مترجم: سیدمحمدباقرموسوی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
۱۵. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ ق). مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی.
۱۶. طریحی، فخرالدین. (۱۳۶۲ ش). مجمع البحرين، تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷ه.ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). کافی، محقق: مصحح، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۱۹. کمالی، محمد تقی. (۱۳۸۱ ش). خدیجه (سلام‌الله‌علیها) شکوه زندگی، نورالسجاد.
۲۰. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ ق) بحار الانوار، دار الحیاء التراث العربی، بیروت.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۳ ش). دانشنامه امام مهدی «عجل الله فرجه» بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، مترجم: مسعودی، عبدالهادی، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۲۲. مخلص، عباس. (۱۳۹۳ ش). عقلانیت و معنویت، نشریه حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۱۷۴.
۲۳. مدرسی، سید محمد تقی. (۱۳۸۶ ش). احکام شریعت پیرامون حیات طیبه، قم: انتشارات محبان الحسین.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۸ ش). نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۲۵. مطهری، سید مرتضی. (۱۳۸۹ ش). مجموعه آثار، قم: صدرا.
۲۶. مهریزی، مهدی. (۱۳۸۱ ش). زن در اندیشه اسلامی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. مؤسسه فرهنگی هنری موعود عصر. (۱۳۹۸ ش). ماهنامه موعود، شماره ۲۰۲.

۲۸. نراقی، مهدی. (۱۳۸۲ ش). جامع السعادات، قم: موسسه اسماعیلیان.
۲۹. نصر اصفهانی، محمد. (۱۳۸۵ ش). حکومت اخلاق، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه ی قم، فصلنامه اخلاق
۳۰. نصیری، محمد. (۱۳۸۴ ش). احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی، قم: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۳۱. وکیلی، محمد حسن. (۱۴۰۱ ش). زن از سلوک عرفانی تا تمدن اسلامی، مشهد، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
۳۲. ولی زاده، محمدجواد (۱۳۹۲)؛ ضرورت ارائه تعریف بومی (اسلامی-ایرانی) از سبک زندگی، نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۷۵.
۳۳. یاسری، زینب؛ اخوان نیلچی، نفیسه. (۱۳۹۷ ش). تبیین الگوی مفهومی نقش آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی. فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی.